



موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران معاصر

بهرام نوازی^۱ و آرام یزدی^۲

چکیده

در میان زنان ایران معاصر پویایی در جریان است که برحسب واجد بودن عناصر مشترکی که در تعاریف مربوط به جنبش‌های اجتماعی جدید وجود دارد، می‌توان از آن به عنوان یک جنبش یاد نمود. جنبشی که غالباً با چالش زنان نسبت به نابرابری قوانین حقوقی میان زنان و مردان و نیز مسائل مربوط به آنان در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی مشخص می‌شود. به هر حال اگر چه برحسب خصلت جوامع اطلاعاتی و انتشار سریع اندیشه‌ها و الگوهای زندگی در جهان امروز، نمی‌توان تاثیر نهضت‌های فمینیستی را بر پویای زنان ایران نادیده انگاشت، اما خصایل بی‌بدیل و خاص حاکم بر غالب تفکرات و حرکات زنان جامعه ما، که منبعث از شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی جامعه ماست، این جنبش را از نهضت‌های جاری جهانی زنان متمایز می‌سازد. مروری بر نقش زنان در طول تاریخ مکتوب ایران نشان می‌دهد که همیشه زنان، جویای مشارکت و فعالیت سیاسی بوده‌اند، نمونه‌های آن را با ورق زدن صفحه‌های کتاب تاریخ کشورمان می‌توان یافت. برخی از این موارد در عهدسلطنت قاجاریان، در طول انقلاب مشروطه، در دوران پهلوی، با تاسیس سازمان‌ها و انجمن‌های مستقل زنان، خارج از حاکمیت دولت شاهد هستیم. اما با توجه به این موارد این نکته به نظر می‌رسد که تحول اجتماعی موقعیت زنان در ایران دارد، بیرون ساختار قدرت صورت می‌گیرد، زیرا زنان در مناصب مهم سیاسی و اجتماعی به حاشیه رانده می‌شوند، گویی آنها نیروهایی نامرئی در بدنه جامعه هستند. آمار دسترسی زنان به آموزش و موفقیت‌های دختران محصل در کنکور دانشگاه‌ها، تعداد روزافزون زنان نویسنده و هنرمند، شمار روز افزون اجتماعات آنها برای دفاع از حقوق برابر و تاثیر رای زنان در انتخاب خاتمی و... موارد دیگر، نمونه‌هایی از فعالیت‌های آنها به حساب می‌آید اما این فعالیت‌ها نتوانسته زمینه ورود آنها به ساختار سیاسی کشور را فراهم کند. در این پژوهش، نقطه تمرکز این است که جنبش سیاسی زنان در ایران را از انقلاب مشروطه تا دوران حاضر، سیر تحولات جنبش برابری طلبی آنها، نوع نگاه و برداشت گفتمان‌های حاکم بر این جنبش و جایگاه زنان در بدنه سیاسی کشور (مناصب کلان سیاسی) و تأثیرات و موانع و محدودیت‌های عرفی و قانونی که برای آنها وجود دارد و آسیب شناسی این جنبش‌ها مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم. همچنین موانع و محدودیت‌هایی که از نظر قانونی، عرفی برای مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان اعمال می‌شود را شناسایی کنیم. بنابراین محقق قصد واقعه نگاری تک تک مسائل مربوط به موقعیت و فعالیت‌های زنان را ندارد، بلکه جنبش زنان را از جنبه علمی و با استفاده از دیدگاه‌های مختلفی که در این زمینه وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان مهم: مشارکت سیاسی، موانع عرفی، موانع حقوقی و جنبش زنان

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره info@navazeni.ir

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره